

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران



نارسایی‌های برنامه‌ی درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی مراکز آموزشی تربیت‌معلمان ایران

ژیلاد ده بزرگی*

چکیده

زبان فارسی، رمز هویت ملی ایران است و تدریس آن در مراکز آموزشی، پایه و اساس یادگیری سایر دروس به شمار می‌آید. نارسایی و ناهماهنگی در برنامه و محتوای درس زبان فارسی تربیت معلم، می‌تواند منجر به افت تحصیلی دانشجویان شود، بلکه خود معضل و مساله‌ای مهم و غامض، در نظام آموزشی کشور را پدید آورد. پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد. پرسش اساسی این است که چرا دانشجویان ممتاز زبان فارسی مراکز تربیت معلم، در هنگام تدریس دچار ضعف‌هایی در تدریس می‌شوند؟ دانشجویان با چه شیوه‌ای باید آموزش ببینند تا سطح سواد ادبی دانش‌آموزان را در آینده تعالی بخشند؟ یافته پژوهش آن است که تقید به برنامه سنتی موضوع مدار و اجرای سرفصل‌های آموزشی ناکارآمد در برنامه درسی موجب دیر رسیدن به هدف متعالی آموزش می‌شود. برنامه ریزان درسی این رشته باید رویکرد نوینی را اختیار کنند و به سوی پژوهش‌مداری و به کارگیری شیوه‌ها و فنون نوین کارآمد تدریس آموزش زبان و ادبیات فارسی حرکت نمایند.

واژه‌های کلیدی: زبان و ادبیات فارسی، برنامه درسی، تربیت معلم

*نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان تهران

pegmo63@yahoo.com-I



مقدمه

زبان فارسی، یکی از عوامل کلیدی موثر در یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان است. از این دیدگاه، به نظر می‌رسد که یکی از دلایل مردودی دانش آموزان و ناموفقیت دانشجویان در دروس، نارسایی در یادگیری زبان فارسی است. در طراحی برنامه درسی این رشته، باید به آرا صاحب نظران، پژوهندگان، دانش‌آموختگان، پرورش یافتگان توجه نمود. تربیت دانشجو معلمان زبان و ادبیات فارسی نیز باید بر افزایش شایستگی‌های تخصصی و حرفه‌ای آن‌ها متمرکز شود؛ زیرا آنان امانت داران میراث ادبی کشور و ترویج دهنده آموزه‌های فرهنگی در بین نسل‌های بعدی هستند.

یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، حفظ و گسترش میراث‌های ارزشمند ادبی است که در زمره هدف‌های فرهنگی به شمار می‌آید. (نیکزاد، ۱۳۷۵: ۱۸۱) زبان و ادبیات فارسی، از جمله دروس نظام آموزشی است که اساس و پایه یادگیری همه دروس آموزشگاهی و دانشگاهی بر آن قرار دارد. اما برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطح یادگیری دانش آموزان در درس فارسی دوره‌های مختلف آموزشی اغلب پایین است. (شریفی، ۱۳۸۳: ۹)

برنامه ریزی درسی، فرآیندی پیچیده و گسترده است. در تعریفی از برنامه درسی آمده است: «پیش‌بینی و تهیه مجموعه فرصت‌های یادگیری برای جمعیتی مشخص، به منظور رسیدن به آرمانها و هدف‌های آموزش و پرورش» (تقی پورظهير، ۱۳۷۷: ۴۳) دانشجویان مراکز تربیت معلم، با هدف تحقق آرمان‌های آموزشی کشور آموزش داده می‌شوند. پس ضروری است که به برنامه‌های تربیت معلم پیش از خدمت دانشجویان و در حین خدمت آن‌ها توجه شود، تا اطلاعات و مهارت‌های لازم از اجرای برنامه‌های مصوب حاصل شود. (مهرمحمدی، ۱۳۸۷: ۲۶۱)

آموزش رسمی زبان فارسی در مراکز، به نوعی آموزش مهارت‌های زبانی است. این مهارت‌ها شامل: خواندن، انشا و نویسندگی، دستور، درک معنا، ارزش‌های ادبی متون



است. یادگیری این مهارتها از سوی دانشجو معلمان می‌تواند آنها را در رشد حرفه ای یاری نماید.

برنامه فعلی و اجرایی آموزش زبان و ادبیات فارسی نهادهای مجری تربیت معلم (دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه آزاد اسلامی)، نشان می‌دهد که دارای نارسایی‌هایی است، مشکلاتی چون: حجم بالای یادگیرمتن‌های گسترده و گوناگون و متعدد نثر و نظم؛ تغییر کتابهای زبان و ادبیات فارسی دوره‌های تحصیلی در مدارس؛ ناهماهنگی و ناکافی بودن ارتباط و اطلاع دانشجویان از این کتاب‌ها؛ روش‌های تدریس متفاوت استادان در دانشگاهها؛ عدم اجرای کامل موضوعات درسیو نبود سازماندهی منطقی و یکدست، و موارد دیگر، دانش‌آموختگان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی را با مشکلات فراوانی مواجه می‌نماید. پژوهش حاضر سعی دارد تا با نگاهی به ایرادات و مشکلات برنامه درسی دانشجو معلمان زبان و ادبیات فارسی، راهکارهایی را برای رفع آن‌ها ارائه نماید. پرسش‌های اساسی مقاله این است که: آیا برنامه‌های درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم در تناسب و هماهنگی با برنامه‌ها و اهداف آموزشی آموزش و پرورش است؟ آیا دانشجو معلمان با بهره‌مندی از این برنامه می‌توانند در آینده، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم آورند؟ چگونه می‌توان برنامه درسی رشته زبان و ادبیات فارسی را با برنامه‌ها و اهداف آموزشی آموزش و پرورش نزدیک نمود؟

فرضیه‌های تحقیق چنین است که: به نظر می‌رسد برنامه‌های درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی مراکز آموزشی تربیت معلم چندان تناسب و هماهنگی با برنامه درسی آموزش و پرورش ندارد؛ همچنین، دانشجو معلمان در ورود به نظام آموزشی کشور، ارتباط و هم‌سویی میان دروس گذرانده در مراکز تربیت معلم و دروس مورد تدریس خود را نمی‌یابند و نیز، چنانچه برنامه درسی نهادهای تربیت معلم با دروس آموزشگاهی هماهنگ و مرتبط باشد، می‌توان سریع و آسان به اهداف کلان آموزشی کشور دست یافت.



کتاب‌های تالیفی و ترجمه‌ای و مقالات بسیاری در زمینه برنامه درسی آموزشی از سوی بزرگان این حوزه نوشته شده است که ذکر نام آن‌ها از حوصله این مقال خارج است. اما اختصاصاً در زمینه بررسی دروس و برنامه‌های درسی رشته زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم منبع قابل‌ذکری نیست، هرچند در زمینه روش‌های تدریس زبان فارسی و مهارت‌های زبانی، کتاب «روش تدریس زبان فارسی دوره دبستان» تالیف بهمن زندی و مقالاتی چون «غلط‌های املائی دانش آموزان دوره دبستان» جمیله ماشینی و زهرا اباذری، «بررسی شیوه‌های نگارش انشای دانش آموزان و راهبردهایی برای بهبود آن» از علی گوهری، نوشته شده است، اما هیچ‌یک به موضوع بحث ما وارد نشده‌اند.

در پژوهش حاضر، نگارنده بیشتر به تجارب سالهای تدریس در این رشته و تعامل با دانشجویان تکیه دارد این شواهد که منابع کیفی کار است، سبب شد تا به بیان مشکلات موجود در برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی بپردازد. در این بررسی سعی شده است که با یاری گرفتن از روش توصیفی - کتابخانه‌ای، به مشاهدات و تجارب، عینیت بخشیده و با منابع علمی موجود، به این بحث وارد شود.

نارسایی در فرآیند یاددهی - یادگیری زبان و ادبیات فارسی

نارسایی فرآیند یاددهی - یادگیری زبان فارسی، به نوعی با برنامه‌های درسی مراکز مجری تربیت معلم ایران ارتباط دارد. پیامد این نارسایی، ضعف درسی و افت تحصیلی دانشجویان است. این نارسایی را می‌توان در محتوای کتاب‌ها و کثرت سرفصل‌ها و منابع معرفی شده قدیمی و نیز روش‌های نامناسب تدریس یافت. در امر آموزش، تحقیق سنجش صلاحیت پایه (ABC) نشان داده است که تدریس معلمان عموماً بر محور کتاب‌های درسی متکی است. (پاشا شریفی، ۱۳۸۳: ۱۷)

تربیت معلمان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌ها، به مانند دیگر رشته‌های دانشگاهی، بر مبنای الگوی سنتی برنامه درسی صورت می‌پذیرد که مبتنی بر موضوع‌مدون درسی است. نقاط ضعف این الگو آن است که معلومات به صورت قالب بندی و تکه تکه



شده به دانشجویان ارائه می‌شود و همین، باعث فراموشی سریع محتوا و کاهش استفاده و کاربرد محتوای آموخته شده، می‌گردد؛ برنامه درسی، ارتباط چندانی با مسایل آموزش و ادبیات روز جامعه ندارد. همچنین، مسایل و مشکلات و اموری که به طور پیوسته و روزانه انسانها با آنها سرو و کار دارند، در طرح موضوعات درسی جایگاهی ندارند. پرداختن به متون و اشعار، در برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، در زمان‌های گذشته، در تعلیق است، ادبیات معاصر نیز چندان خود را به منصفه ظهور نمی‌گذارد.

اضافه براین، برنامه به توانمندیها، نیازها و علایق و تجربه‌های گذشته دانشجویان توجه کافی را مبذول نمی‌دارد. بنابراین انگیزه‌های لازم را برای یادگیری از ایشان سلب می‌نماید و آنها را به برخورد انفعالی و سطحی با امر یادگیری ترغیب می‌کند. زیرا درک عمیق دانشجو از محتوا، تحت الشعاع کمیت آموزش قرار می‌گیرد و محدود به بخشی از ابعاد هدفهای تعلیم و تربیت میشود و از فراگیری مهارتهای ارزنده شناختی نیز غافل می‌شود. با توجه به این که موضوعها و قلمروهای جدیدی در حوزه ادبی شناسایی میشود، باید قلمروهای جدید به برنامه درسی این رشته اضافه گردد، هرچند که باعث کثرت موضوع درسی و شلوغی برنامه شود. (مهرمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

به طور کلی، فرآیند یاددهی - یادگیری در هر رشته آموزشی باید منجر به درک معنا و مفهوم شود. یادگیری معنادار هنگامی اتفاق می‌افتد که فراگیر به تجارب قبلی و دانش خود معنا ببخشد. (همان: ۴۱) در حالیکه مواد و محتوای درسی برنامه‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی چندان ارتباطی با دانش قبلی دانشجویان نداشته و پراکندگی مطالب کتابها و تناقض در بیان مطالب، گاهی دانشجویان را دچار سردرگمی می‌کند. یکی از این نمونه‌های بلا تکلیفی، تفکیک دروس برنامه درسی این رشته در دانشگاه فرهنگیان است، تفکیک متون نظم و نثر به «روایی» و «غیرروایی» پیوسته یکی از دغدغه‌های ذهنی دانشجویان تا پایان هرترم است. ایشان در تفکیک برخی از متون ادبی چون قابوسنامه، بوستان که به عبارتی هردو مبحث روایی و غیرروایی را دربردارد، گاهی در تردید باقی می‌مانند، این که متن مورد نظر در کدام دسته بندی قرار می‌گیرد؟ سردرگمی دوباره دانشجو معلمانزمانی



تکرار می شود که به عنوان معلم در کلاس به بیان مطالبی می پردازند که با آموخته های قبلی ایشان در دانشگاه، بی ارتباط و گاهی در تناقض است.

در طرح برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، گاهی در تدریس یک واحد درسی، چند موضوع یا موضوعهای مرتبط دیده می شود، به طور مثال، « منظومه های تعلیمی» باید با موضوعات دیگری چون تاریخ ادبیات، سبک شناسی، مهارت های داستان نویسی، زیبایی شناسی، بافت زبانی و نحوی بررسی گردد یا دانشجو در درس « قالب های نویسندگی و آیین نگارش» علاوه بر مباحث زبان شناسی و شیوه خط فارسی و نشانه گذاری متن ها، چندین قالب ادبی چون داستان نویسی، خاطره نویسی، سفرنامه نویسی را باید در یک ترم فراگیرد. اجرای همزمان تمامی این امور در کلاس های دانشگاهی چندان موفق آمیز و کاربردی نیست، زیرا پرداختن به همه آن هانیازمند فرصت بیشتری است. بنابراین، در ترم تحصیلی کوتاه دانشگاهی، دانشجو معلمی از قبل باید با مطالعات لازم، اشراف کاملی نسبت به مسایل مرتبط با ادبیات داشته باشد و به تکمیل معلومات خود پردازد یا با خرده اطلاعات کسب نموده در این زمان کوتاه، به حداقل معلومات رضایت بدهد.

یکی از آموزش های مهم ادبیات فارسی، مربوط به دوره دبستان است. برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم باید در قالب معیارهای ادبیات کودک و نوجوانان ساماندهی و اجرا شود. (زندى، ۱۳۷۸: ۲۳۱) آموزش ادبیات در مدارس ابتدایی کشور، بیشتر به جنبه ادراک شفاهی و خواندن متون شعر و نثر مربوط است. به نظر می رسد که اگر تدریس زبان و ادبیات فارسی آموزش ابتدایی، از سوی دانش آموختگان ادبیات انجام پذیرد، برای دانش آموزان امکان کسب دانش و آگاهی لازم نسبت به ماهیت، مفاهیم و انواع گونه های ادبی بهتر فراهم می شود. بدین ترتیب، دانش آموزان می توانند شناخت کافی از گذشته تا حال ادبیات فارسی را به دست آورند. آنان با به کارگیری روش های صحیح، به اهداف آموزش ادبیات نایل می شوند و دانش آموزان را با میراث گرانقدر ادبی



و آثار دوره معاصر کشور آشنا کرده، زمینه پرورش فکری و فرهنگی آنان را فراهم می‌نمایند.

در برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی فعلی نهادهای مجری تربیت معلم، ادبیات کودک و نوجوان با کم توجهی روبرو است. در حالی که در کشورهای دیگر، دانشجویان تربیت معلم باید مهارت تدریس در دوره ابتدایی را در کنار آموزش متوسطه فراگیرند و از این نظر به ادبیات کودک و نوجوان توجه ویژه ای دارند. اهمیت تدریس ادبیات کودک و نوجوان به اندازه ای است که به نظر می‌رسد اگر به عنوان یکی از درس های عمومی در برنامه ریزی درسی سایر رشته های آموزشی نهادهای تربیت معلم اجباری گردد، دیگر رشته ها هم با نظام آموزش کشور بیشتر همسو و هم جهت خواهند بود.

یکی از مهارت های لازم در حوزه زبان و ادبیات، آموزش مهارت نوشتاری است که می‌تواند به افزایش دانش و معلومات و رشد مهارتهای فردی و اجتماعی دانش آموزان منجر شود. متأسفانه، تحقیقات نشان می‌دهد که در نظام نوشتار فارسی اشکالاتی است که در اکت تحصیلی فراگیران در خواندن و نوشتن تاثیر زیادی دارد، به ویژه در درس املا نقش عمده ای ایفا می‌نماید. (زند، ۱۳۷۸: ۷۱) این مهارت زبانی در حوزه دانشگاه نیز بی‌اشکال نیست. غلط های املائی موجود در برگه های دانشجویان یا نادرست نویسی در گزارش های تحقیقی ایشان، توجه بیشتری را به روند فرآیند یاددهی-یادگیری مهارت املا نویسدراکز آموزشی می‌طلبد. به نظر می‌رسد که این مهارت در سرفصل های دروس رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ها باید جایگاه جدیدی پیدا کند. کم کوشی دانشجویان، خلاصه نویسی یا غلط نویسی در نوشتار امروزی، نگارش های اینترنتی و پیامکها، وسواس و توجه بیشتری را از سوی صاحب نظران دانشگاهی در تخصیص واحد درسی طلب می‌کند. اضافه بر این، آشنایی با سبک و سیاق گفتن املا و تصحیح آن، انواع املا نویسی، برای دانشجو معلمان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی لازم، بلکه ضروری است و توجه به مهارت املا نویسی فراتر از آن است که فقط محدود به رشته آموزش ابتدایی باشد، زیرا مقوله نوشتن املا در دوره های متوسطه نیز ادامه دارد. به لحاظ اهمیت موضوع



، به نظر می‌رسد گذاردن واحد درسی برای املا و مهارت های آن، در برنامه درسی دانشجومعلمان رشته کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی از ضروریات است.

از لوازم اجرای مطلوب برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی ، آنست که مراکز و موسسات ویژه در امر تربیت معلم دانشجویان ادبیات، در تصمیم گیری مربوط به تهیه و اجرای برنامه درسی جدید با مدارس مشارکت داشته باشند. این برنامه در صورت اجرا، باعث بهبود کیفیت برنامه های تربیت معلم می شود. (لوی، ۱۳۸۰: ۸۹) همخوانی محتوای برنامه درسی مدارس با دروس دانشگاهی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم، از موارد بسیار با اهمیت است. در این صورت بیشترین اثرگذاری مطلوب را بردانش آموزان آینده و دانشجو معلمان فعلی خواهد گذاشت. اگر خلاف این مساله روی دهد، طرح برنامه درسی گنگ و نامفهوم خواهد بود و از اثرگذاری آن کاسته خواهد شد. (مهرمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۷۹) که در حال حاضر، این برنامه ها (مدارس و دانشگاه) هیچ گونه وحدتی بایکدیگر ندارند.

الگوی برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی باید کارآمد و متناسب با نیازهای آموزشی آموزش و پرورش کشور باشد و این درحالی است که موضوع های درسی موجود در رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی مراکز آموزشی تربیت معلم، متناسب با موضوعات مندرج در برنامه درسی رشته زبان و ادبیات فارسی دیگر دانشگاههای دولتی و غیر دولتی تنظیم شده است. در حالی که ضرورت امر ایجاب می کند تا دانشجومعلمان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، علاوه بر دارابودن برخی واحدهای ویژه از جمله املانویسی، انشانویسی، ادبیات کودک و نوجوان، و دیگر موارد در برنامه های درسی، شیوه های پیاده کردن موضوعات را در قالب کاربردی فراگیرند. در نتیجه، مباحثی با موضوعاتی که در آموزشگاهها مرتب تکرار می شوند، جزو نیازهای اصلی دانشجومعلمان برای فراگیری است و احاطه دانشجویان آموزش زبان و ادبیات فارسی را بر تمامی جوانب مباحث مذکور می طلبد .



یکی از نیازهای آموزشی مدارس که با برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه های مجری تربیت معلم همخوانی ندارد، مبحث کتابخوانی است. در برنامه درسی فعلی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، دو واحد درسی با نام روش های ایجاد مهارت های زبانی و ادبی آمده است. یکی از موضوعات جزیی این درس، مهارت خواندن است، کوتاهی ترم و حجم زیاد سرفصل ها در این واحد درسی، فرصت پرداختن به تمام جزئیات مهارت های چهارگانه زبانی را به مدرس ادبیات نمی دهد، نبود کتاب مشخص برای این واحد درسی، همان اندک بهره آموزشی را هم تامین نمی نماید. تحقق این امر مستلزم آن است که در برنامه درسی دانشجویان، واحدی با نام کتابخوانی و تقویت مهارت های خواندن پیش بینی شود تا دانشجویان، با منابع مختلف اطلاعاتی مهارت های خواندن آشنا شوند.

به طور کلی برنامه آموزشی ادبیات در مدارس، خلاقیت و آفرینشگری دانش آموزان را می افزاید، عواطف و احساسات آنان را هم تلطیف می نماید. چنانچه این درس در مدارس موفق عمل نماید، کیفیت نگرشها و باورها ی دانش آموزان را ارتقا می بخشد؛ ذهنیت آنان را در جهت ارتقای فرهنگی بهینه می سازد؛ عادت به مطالعه و نگرش های مثبت نسبت به مهارت های زبان را افزایش می دهد. با تقویت ادبیات در مدارس و دانشگاه ها، افق دید وسیع تری برای فراگیران بازمی شود و مسایل جامعه را بهتر می بینند و در درک سایر مطالب موفقیت بیشتری کسب می نمایند.

ارتباط برنامه درسی با مهارت های تدریس

روش تدریس رابطه نزدیکی با اهداف برنامه درسی دارد. جان کولمن^۱ روش تدریس را « نظام مرتبی می داند که به کمک آن، معلم عوامل تربیت را برای اثر نهادن بر انسانها به خدمت می گیرد تا تغییرات و نتایج را ایجاد کند.» (گوتک، ۱۳۸۰: ۱۴) یادگیری، تسلط بر مهارت ها و دانش های بنیادی است. معلم باید در دو زمینه: موضوع درسی و روش تدریس مهارت داشته باشد.



در فرآیند یادگیری دروس زبان و ادبیات فارسی، برانگیختن فراگیران و کمک به آن‌ها برای اصلاح اشتباهاتشان بسیار مهم است. بنابراین، مهارت استاد در این رشته و توانایی وی در امر تدریس، به موفقیت برنامه‌ی آموزش کمک می‌کند. از شاخص‌های آمادگی حرفه‌ای در این رشته، آن است که در ابتدا دیدگاه و توانایی‌های یادگیرندگان خویش را درک نماید و دانش و مهارت و اعتماد به نفس لازم را برای تطبیق برنامه‌های آموزش با نیازهای خاص یادگیرندگان ایجاد کند.

در کلاس‌های زبان و ادبیات فارسی مراکز آموزشی تربیت معلم، بهتر است که استاد دیدگاه و بینش دانشجوی محوری را اساس تدریس قرار دهد تا دانشجو معلمان، فعالانه در کارهای متفکرانه شرکت کنند و درک جدیدتری از مهارت تدریس به دست آورند. در نتیجه، دگرگونی در شیوه‌های سنتی تدریس استادان ادبیات فارسی از ضرورت هاست، به طور نمونه، اگر استادان از همان ابتدای ورود دانشجویان به محیط دانشگاه، اجازه تدریس بخش‌هایی از تدریس را به دانشجویان واگذار نمایند، ضمن شرکت آنها در مباحث درسی، دانشجویان را با تدریس حرفه‌ای آشنا کرده و چالش‌های جدیدی را بر سر راه آن‌ها می‌گذارند. علاوه بر این، بحث و گفتگوی استادان و دانشجویان در سمینارهایی با موضوعات تخصصی ادبی، از فعالیت‌های دیگری است که می‌تواند منجر به کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان ادبیات شود. مدرس ادبیات در هنگام تدریس، باید اطلاعاتی را در اختیار دانشجو بگذارد و همواره در صدد گرفتن بازخورد از او باشد. به نظر تایلر (tyler) ارزشیابی فرایند تعیین میزان تغییرات مورد نظر در الگوهای رفتاری یادگیرندگان، از طریق تجارب یادگیری و فعالیت‌های آموزشی تنظیم می‌شود. (تقی پور ظهیر، ۱۳۷۷: ۲۰۱) استادان باید پس از بحث و تبادل نظر با فراگیران، در مورد مساله مورد نظر و بررسی راه‌حلهای گوناگون، به راه حل قابل قبولی دست یابند. کراپ چند توصیه اساسی را برای تدریس به معلمان گوشزد می‌کند که می‌تواند مورد استفاده استادان ادبیات نیز قرار گیرد: مهارت تفکر انتقادی خود را با مسایل مربوط به آن مرتبط



سازند؛ یادگیری را فرایندی فعال نمایند؛ روی فرآیند متمرکز شوند، نه روی حفظ کردن حقایق خارجی. (سلسیلی، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

کاربرد شیوه تدریس مناسب در هر یک از دروس ادبی، سبب تسلط فراگیر بر مهارت‌های مختلف زبان فارسی می‌گردد و ضعف در هر یک از جنبه‌های مختلف زبان فارسی می‌تواند عامل مهمی در شکست درسی فراگیر باشد. در تدریس لازم است که استاد هدفها را از سه زاویه اصلی دنبال کند:

- افزایش تفهیم محتوای برنامه درسی

- گسترش استعدادها

- افزایش و رشد طرز تفکر با تدریس یک ماده درسی (عسکریان، ۱۳۷۳: ۵۷)

یادگیری ادبی ممکن است در اثر تدریس نادرست دچار آسیب‌هایی بشود. زمانی که تدریس در سطوح پایین باشد یا مدرس دانش و تخصص لازم را در مورد موضوعی ندارد و احساس سردرگمی یا بی‌تجربگی کند یا در مورد آنچه که باید انجام دهد، دچار تردید شود و نظر خاصی ارائه ندهد، یقیناً آثار نامطلوب و نفرت‌انگیزی نسبت به زبان و ادبیات فارسی در ذهن فراگیر برجای خواهد گذاشت، در این شرایط او نیازمند کسب اطلاعات است و باید در جهت ارتقا دانش، افزایش تجربه تخصصی و توانمندی‌های مربوطه تلاش نماید.

استاد رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، باید دانشجو را با یاری خود او، راهبر پژوهش نماید و جهت تقبل مسوولیت‌های اجتماعی آینده آماده کند. بدین ترتیب، دانشجو و استاد به تحکیم بنای فرهنگ کشور می‌پردازند خاطر نشان می‌نماید که حرفه معلمی در هر رده‌ای صرفاً یک پیشه تلقی نمی‌شود، بلکه یک خدمت معنوی است که با رشد یک فرهنگ انسانی قرین گشته و در مسیر بیداری آگاهی انسانها گام برمی‌دارد. (عسکریان، ۱۳۷۳: ۵۴)



ارتباط برنامه درسی با امکانات آموزشی

در نگاه سطحی به رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی شاید به نظر برسد که نیاز چندانی به کاربرد تجهیزات الکترونیکی و سایر امکانات آموزشی ندارد. در حالی که این گونه نیست، امکانات آموزشی می تواند در تحقق برنامه های درسی زبان و ادبیات فارسی نیز نقش آفرین باشد. در این رشته همتهیه و تدارک لوازم و ابزار، انتخاب و استفاده از وسایل، باعث کارآیی و اثربخشی تدریس می شود. خلاقیت در نوع به کارگیری تکنولوژی آموزشی برای بهبود و ارتقای کیفیت تدریس بسیار ضروری است. تجهیزات آموزشی، استادان را در رسیدن به اهداف آموزشی یاری می دهد. در برخی از مراکز آموزشی تربیت معلم، کلاس هایی هست که ابتدایی ترین لوازم آموزشی را ندارند یا اگر هست در قالب نمایشی و بی استفاده در کلاس ها رها شده اند یا استاد علم و توانایی استفاده از آن را ندارد.

از موارد دیگری که می توان آن را مطرح کرد، نابرابری امکانات آموزشی، همچون زیادبودن تعداد دانشجویاندر کلاس هاست.

ناکافی بودن امکانات آموزشی، موجب می شود تا استادان نتوانند از مهارت حرفه ای خود به نحوی مناسب استفاده کنند.

برنامه درسی و افت تحصیلی دانشجویان

دانشجو معلمان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی معمولاً در ابتدای ورود به دانشگاه، به دلایل مختلف نمی توانند در فرآیند آموزش رشد چشمگیری داشته باشند، علت احتمالی این امر را در چندعامل می توان جستجو کرد:

-عدم هماهنگی برنامه و محتوای درس با نیازهای اساسی و توانایی دانشجویان

-اهمیت ندادن به برنامه و درس ها از سوی فراگیران به تصور ساده تلقی کردن آن ها



-عدم هماهنگی برنامه و محتوای دروس زبان و ادبیات فارسی با هدف های آموزشی

-نارسایی در برنامه و محتوای درس ها

-کم توجهی به علاقه یادگیرندگان و قدرت انتخاب آن ها در برنامه درسی

در کشورهای چوَن کانادا، آلمان، انگلستان محور برنامه تربیت معلم، دانشجومعلم است؛ در این کشورها، آموختن بیش از یک تخصص، برای دانشجویان امکان پذیر است و قدرت انتخاب آن ها در حوزه تربیت معلم، با ارائه دروس اختیاری در نظر گرفته شده است. در حالیکه در برنامه درسی تربیت معلم کشور ما، به علاقه یادگیرنده و قدرت انتخاب آنها در برنامه درسی کمتوجهی می شود. (شعبانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) در اینجا، دانشجویان در عمل هیچ نقشی در انتخاب واحدهای درسی و انتخاب مدرس ندارند.

برنامه ریزان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی برای جوابگویی به انتظارات جدید مخاطبان و بهره گیری از نوآوریها، باید برنامه های خود را با تحولات جدید همگام و هماهنگ کنند؛ یعنی آنان باید با انجام پژوهش و مطالعه، چه در اندیشه و چه در عمل، به نوآوری هایی در برنامه های درسی این رشته روی آورند. با استفاده از نوآوریها، به عنوان یک اصل، به بهبود کیفیت، جایگزینی روشهای کهنه با روشهای نوین، سهولت دسترسی به اطلاعات تازه و تسریع در کارها و درنهایت به برآورده شدن انتظارات جدید مخاطبان کمک نمایند. (محسن پور، ۱۳۷۹: ۱۵۰) بهتراست اطلاعات لازم، آنهایی که مفید تشخیص داده می شوند و اهمیت دارند انتخاب نموده و در برنامه درسی بگنجانند.

ایرادات برنامه های درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت

معلم

برنامه درسی تربیت معلم رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، موضوع محور است. برنامه موضوع محور، برنامه ای که صورتی از انتقال آگاهانه و عامدانه، به صورت سلسله مراتبی از موضوعات کلی تر به موضوعات دیگر است. (گوتک، ۱۳۸۰: ۱۴) یافته



های علمی نشان می‌دهد که برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم، عمدتاً براساس دیدگاه سنتی و موضوع محور شکل گرفته و مجموعه توانایی‌های بنیادی مانند ایجاد تفکر علمی، کاوشگری، خلاقیت، استدلال و تردید منطقی چندان مورد توجه نیست.

برنامه‌های واحدهای درسی زبان فارسی تربیت معلم، بر مبنای محوریت موضوع، اغلب امری تجویزی است. دانشجو معلم، در گزینش درس‌های مرتبط با رشته خود قدرت انتخاب ندارد. ۷۵ درصد آموزش‌ها به اطلاعات عمومی و نظری او مربوط است و فقط ۲۵ درصد به دروس اختصاصی او ارتباط دارد و برای آموزش مهارت‌ها و توانایی‌های حرفه‌ای زمان کمتری در برنامه پیش‌بینی شده است و این در حالی است که محتوای برنامه آموزشی و شیوه اجرای آن، هویت هر نظام آموزشی را مشخص می‌کند. (علاقه بند، ۱۳۷۸: ۷۴) در این برنامه‌ی تجویزی، هدفهای فعالیتهای آموزشی، محتوای درس، تعیین هدف و تجزیه آن به هدفهای جزئی (شعبانی، ۱۳۷۷: ۱۴۴) از پیش معلوم می‌شود.

از ضعف‌های دیگر برنامه درسی تربیت معلم دانشجویان آموزش زبان و ادبیات فارسی، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی و فرهنگی و مقاومت در برابر مشارکت دانشجومعلم‌ان در طراحی و اجرای برنامه درسی است و دیگر اینکه، در این برنامه، مرجعیت با اقتدار مدرس است. این امر سبب شده تا به توسعه مهارت‌های شناختی، تقویت قدرت تفکر، فهم نقادانه دانشجو معلمان توجه نشود.

نبود کتابهای درسی مربوط به رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، از ایرادات دیگری است که سبب شده به اصول عملی برنامه ریزی بی‌توجهی شود و از رویکردهای متفاوت و متنوع در برنامه ریزی استفاده نگردد. مدرسان ادبیات در مراجعه به سرفصل‌ها، با انبوهی از منابع و موضوعات مواجه می‌شوند که بیش‌تر آنها با مطالب کتاب‌های درسی مدارس هماهنگی ندارد و تاریخ مصرفشان سالها پیش گذشته است.



از دیگر ایرادات برنامه درسی تربیت معلم، آن است که به صورت خطی تنظیم شده و تقدم و تاخر درس‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. رویکرد موضوع محور، موجب شده تا عناصر به صورت منفک در کنارهم قرار گیرند. بین دروس تربیتی و حوزه تخصصی ارتباط و هماهنگی درستی برقرار نشود.

با توجه به تغییرات صورت گرفته در نظام آموزشی و تغییر در کتابهای درسی، بین برنامه درسی تربیت معلم با برنامه درسی آموزش عمومی و متوسطه مدارس نیز هماهنگی و تناسبی مشاهده نمی‌شود. در حالی که دانشجویان در طول دوره چهارساله آموزش خود باید با این کتابها مانوس باشند و در بحث زبانی و محتوایی جامعیت کامل و کافی را کسب نمایند. در برنامه درسی دانشجویان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی برای دو سال آخر، درس تمرین معلمی در نظر گرفته شده است. با توجه به این که تمرین مهارتهای عملی در ترمهای آخر چندان مفید نیست، می‌بایست تمرین مهارتهای عملی به شکل خرده تدریس، اقدام پژوهی و درس پژوهی از ابتدای ورود به دوره تربیت معلم انجام گیرد تا در ترمهای پایانی دانشجو نیازهای دانشی و حرفه‌ای خود را شناخته باشد و در طی گذراندن دروس تخصصی و تربیتی، با یاری گرفتن از استادان و مراجعه به کتابهای مورد نیاز، مشکلات دانشی و حرفه‌ای خود را رفع نماید.

به علاوه، الگوهای مختلف برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، باید براساس نیازهای متغیر زمان، مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد. الگوهای قدیم تر برنامه ریزی درسی باید تجدید نظر و اصلاح شود و الگوهای جدید براساس تغییرات جامعه و علایق و نیازهای دانشجویان به وجود آید. الگوها نباید به عنوان عوامل ثابت و تغییر ناپذیر نظام تربیت معلم تلقی شود. بلکه از اساسی ترین خصایص الگوی جدید، قابلیت انطباق با نیازها و شرایط محیطی را داشته باشد. (مهرمحمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۰ و ۱۹۱)

از اشکالات دیگر برنامه ریزی درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، این است که بیش تر مقید به حجیم بودن مطالب و منابع اطلاعاتی و تعدد کتابهاست. بر همین اساس به



مفاهیم به طور سطحی پرداخته می‌شود و از مفهومی کردن مسایل آموزشی دور است. برنامه ریزان باید با رویکرد فعالیت محور به برنامه درسی توجه کنند تا دانشجو معلمان با حضور فعال در رویارویی با اندیشه های صاحب نظران، تهیه پروژه تحقیق، بحث و گفتگو و نقادی، به فعالیت های عملی بپردازند. قوت و ضعف برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم، وابسته به کیفیت آن است؛ ولی چنین به نظر می‌رسد که در بسیاری از برنامه ریزیهای تربیت دانشجو معلمان، تکیه بر کمیت شده و کیفیت کاملاً تحت الشعاع قرار گرفته است. (فیوضات، ۱۳۸۰: ۶۷)

راهکارها و بهینه سازی برنامه درسی رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی

توجه به فرصت های یادگیری به جای محتوا مداری و انتقال معلومات در طراحی و تدوین برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی از اولویت هاست. با ایجاد فرصت های یادگیری برای دانشجویان، می‌توان به الگوهای تحول جویانه انسانی چون انسان کارآمد، انسان متفکر، انسان کامل دست یافت.

فرصت های یادگیری با شناخت ویژگی ها، چالشها، اصول، بستری مناسب را برای تحول و تغییر دیدگاه ها در حوزه آموزش و برنامه درسی این رشته فراهم می‌نماید. با تغییر در رویکرد حاکم بر نظام آموزشی و سنتی موضوع مدار، محتوا مدار، کتاب مدار در طراحی و تدوین و اجرای برنامه های درسی، می‌توان دانشجو معلمان را در فعالیت عملی جامعه قرار داد و پیوندی میان دانش و کاربرد آن برایشان مهیا نمود.

در نظام آموزش سنتی، تاکید بر انتقال محتوای کتاب درسی به جای توجه به فرصت های یادگیری کاملاً محسوس است. (سلسبیلی: ۱۳۸۲) در آموزش سنتی زبان و ادبیات فارسی، امتحان مداری، حافظه مداری، پاسخ مداری از ناتوانی های برنامه درسی است که روش های آموزش عقلانی کردن نگرش های دانشجو معلمان را در پی دارد. برای ایجاد فرصت های یادگیری در کلاس درس، مک نیل (۱۹۹۶) مواردی چون فعالیت ها، تجربیات، درس ها و تعامل های فراگیران را مورد توجه قرار می‌دهد. فرصت های



یادگیری، در کلاس ها تحقق می یابد. اما زمینه آن باید با کمک طراحان و برنامه ریزان درسی فراهم شود، پس خلق فرصت های یادگیری یعنی خلق برنامه درسی.

فرصت یادگیری در برنامه درسی، با آماده کردن طرحی از مجموعه فرصت های یادگیری برای افراد زیر تعلیم عملی می گردد. برخی از فرصت های یادگیری عبارت اند از: تولیدات خلاق، دیدار و گفتگو با افراد و مراجع اندیشمند، طراحی بسته های یادگیری، دست سازه ها، سفرهای علمی، نمایش ها، ایجاد زمینه مطالعه و پژوهش انفرادی و پرسش های بدیع، لازم است استادان این رشته، فرصت های مطلوبی را با توجه به تفاوت های دانشجویان و علایق گروهی کلاس فراهم آورند. اصول ایجاد فرصت های یادگیری با توجه به نظرات تایلر (۱۹۴۹) باید با تمرین مناسب و رضایت خاطر همراه باشد. مدرسان زبان و ادبیات فارسی با ایجاد فرصت های یادگیری می باید برای دانشجویان تمرین های مناسبی در جهت اهداف درسی فراهم آورند و خود از فرآیندهای نوین آموزشی بهره ببرند. از آنجا که دانشجو معلم از فعالیت و موقعیت یادگیری یکسانی بهره مند نیستند و رضایت خاطرشان نیز به آسانی جلب نمی شود، مدرسان باید فعالیت هایی را طراحی کنند که محتوای جدید آموزشی را به تجربیات قبلی فراگیر متصل کند. متأسفانه، در رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، مدرسان تمایل شدیدی به تکیه کردن بر کتاب درسی و فعالیت های کاغذ و مدادی دارند. درحالی که باید اتکای خود را بیشتر بر مراکز فعالیت، پروژه ها، شبیه سازی ها، بحث و گفتگو ها، پژوهش ها و رسانه ها قرار دهند.

پیشنهادها و راهکارها

به طور کلی می توان برای داشتن برنامه درسی مطلوب در رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی، پیشنهاد های زیر را مطرح کرد:

- بررسی نقاط قوت و ضعف و یافتن راه هایی برای حل مشکل موجود در برنامه درسی

- تجدید نظر در برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم



- تدوین روش های تدریس مناسب این رشته با توجه به مهارت های زبانی و ادبی
- توجه به فعالیت های یادگیری به جای تاکید بر کتاب محوری و آموزش مطالب حفظ کردنی
- بهره گیری دانشجو معلمان از یافته های تحقیقاتی
- تلفیق حوزه نظری و عملی در بافت و زمینه دانش تخصصی و حرفه معلمی .
- گنجاندن علوم کاربردی مانند فرهنگ های محلی متناسب با هر استان در برنامه ریزی درسی زبان فارسی و ارائه آن به صورت دروس اختیاری.
- اصلاح و بازسازی برنامه ها متناسب با مولفه های مهارت های مورد نیاز از قبیل: مهارت های تفکر، فناوری نوین اطلاعات در فرآیند آموزش
- پیش بینی روش های آموزش زبان فارسی در برنامه درسی مبتنی بر مهارت های اقدام پژوهی، درس پژوهی، هم اندیشی و آشنایی با اندیشه صاحب نظران
- تسلط دانشجو معلمان به محتوای موضوع درسی
- هماهنگی کامل مراکز تربیت معلم با نظام آموزش مدارس و اطلاع از هرگونه تغییر در کتاب های درسی
- برای ارتقا قابلیت های عملکردی دانشجو معلمان، التزام آنها در انجام فعالیت هایی از قبیل شرکت در سمینارهای آموزشی
- توجه به پژوهش انگیزی و تجربه مداری پژوهشی در برنامه درسی
- تولید برنامه درسی نوین با توجه به فرصت های یادگیری سازنده به جای کتاب مداری و انتقال معلومات از طریق برنامه درسی و کلاس



نتیجه گیری

زبان فارسی که پایه و اساس یادگیری دروس دانشگاهی و آموزشگاهی است، در عمل دچار نارسایی و ایراداتی در بحث برنامه ریزی است.

نارسایی در فرآیند یاددهی- یادگیری رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی به عواملی چون، محتوای نامناسب کتابها و جزوات آموزشی، روش های نامناسب تدریس، ناتوانی مدرسان، ضعف در امکانات آموزشی، کم توجهی و سهل انگاشتن دروس از سوی فراگیران بستگی دارد. به طور کلی، برنامه ریزی نهادهای آموزشی مجری تربیت معلم باید موجب تغییراتی در نگرش، دانش و عملکرد دانشجویان شود و آن ها را به افرادی مطلع و آگاه، متفکر، هشیار و با شعور تبدیل نماید. برنامه آموزش زبان و ادبیات فارسی در تربیت معلم با وجود اهمیت آن، اما در اجرا دارای رویکرد سنتی موضوع مدار است که منجر به بی انگیزگی، ناکارآمدی و کم تحرکی درسی دانشجو معلمان در این رشته می شود و عمدتاً با کارکردهای شاخص های توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و اجتماعی همخوانی قابل توجهی ندارد.

به نظر می آید دگرگونی در دروس و بازنگری در برنامه درسیرشته آموزش زبان و ادبیات فارسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند از ضرورت های اساسی دانشگاه ها و مراکز و موسسات ویژه تربیت معلمان است. همچنین، لازم است که طراحان برنامه، بر فعالیت های یادگیری به جای کتاب محوری، افزایش روحیه پژوهش مداری و ایجاد فرصت های یادگیری از ابتدای ورود به حوزه دانشگاه تا فارغ التحصیلی توجه نمایند.

آموزش زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم باید متکی بر کیفیت باشد و جنبه کاربردی داشته باشد؛ افزون بر آن، موضوعهای درسی تفکیک و مرزبندی شوند.

در زمینه تحول و نوآوری در طراحی برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، موقعیت های یادگیری و برنامه درسی، در انطباق با تحولات جامعه ایران و نظام آموزش



کشور قرار داشته باشد. گفتنی است که وجود برنامه درسی مدون و ایجاد موقعیت های یادگیری، در کنار هم است که می تواند منجر به گسترش و غنی ساختن دانش های زبانی و ادبی شود.

توجه به زیرساخت های آموزش زبان و ادبیات فارسی، عاملی موثری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان کشور است. از این دیدگاه، بی توجهی به این نیاز اساسی، مردودی های دانش آموزان و، ناموفقیت دانشجویان در دروس و نارسایی در یادگیری زبان فارسی را در پی خواهد داشت. در نتیجه، برنامه درسی دانشجویان رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی باید به گونه ای تنظیم شود که متفاوت با رشته های مشابه در دیگر دانشگاه ها باشد و بر شایستگی های تخصصی و حرفه ای آن ها بیفزاید؛ زیرا این دسته از دانشجویان، امانت داران میراث ادبی کشور و ترویج دهنده آموزه های فرهنگی به آینده سازان این مرز و بوم هستند

پی نوشت:

john colman-۱

منابع

پاشا شریفی، حسن؛ دانش پژوه، زهرا (۱۳۸۳)، سنجش ملی پیشرفت تحصیلی زبان فارسی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳. پاییز.

تقی پور ظهیر، علی (۱۳۷۷)، مقدمه ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات آگاه.

زندى، بهمن (۱۳۷۸) روش تدریس زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).



سلسبیلی، نادر (۱۳۸۵)، آموزش و پرورش و اعتلای فرهنگی: ضرورت تحول در دیدگاه‌های برنامه درسی، تهران: جلد دوم، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی.

_____ (۱۳۸۲)، فرصت‌های یادگیری به جای کتاب‌مداری در تدوین برنامه درسی و فرآیند یاددهی-یادگیری، بابل‌سر: در مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی فرآیند یاددهی-یادگیری.

شعبانی، حسن (۱۳۷۷)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

شعبانی، زهرا (۱۳۸۳)، بررسی تطبیقی برنامه تربیت معلم ایران و چند کشور جهان، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳، پاییز.

صافی، احمد (۱۳۷۳)، مدیریت و برنامه ریزی در آموزش و پرورش، چاپ سوم تهران: اداره کل آموزش‌های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش.

عسکریان، مصطفی (۱۳۷۳)، سازمان و مدیریت آموزش، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.

علاقه بند، علی (۱۳۷۸)، مقدمات مدیریت آموزشی، چاپ شانزدهم، تهران: نشر روان.

فرجاد، محمد علی (۱۳۷۹)، اصول برنامه ریزی آموزشی و درسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الهام.

فیوضات، یحیی (۱۳۸۰)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، چاپ یازدهم، تهران: موسسه نشر ویرایش.

کمیته برنامه ریزی زبان و ادبیات فارسی تربیت معلم (۱۳۸۹)، شیوه نامه اشاعه برنامه آموزش زبان، ادبیات فارسی، تهران: دفتر برنامه ریزی و تالیف کتابهای درسی.



- گوتک، جرال دال (۱۳۸۰)، مکاتب فلسفی و آرا تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- لوی، الف، (۱۳۸۰)، مبانی برنامه ریز آموزشی/برنامه ریزی مدارس، ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه.
- محسن پور، بهرام (۱۳۷۹)، مبانی برنامه ریزی آموزشی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷)، برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها، مشهد: شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)
- میلر، جان (۱۳۷۹)، نظریه‌های برنامه درسی / جی پی میلر، ترجمه محمود مهرمحمدی، چاپ سوم، تهران: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- نیکزاد، محمود (۱۳۷۵)، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات کیهان.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران